
فصل هفتم

پوشاک و زیورآلات





پوشاک و زیورآلات



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- عوامل مؤثر در شکل‌گیری پوشاک را بداند.
- ۲- پیشینه پارچه‌بافی را در ایران بیان کند.
- ۳- پوشاک ایران باستان را در طول تاریخ توضیح دهد.
- ۴- پوشاک ایرانی را در دوره اسلامی شرح دهد.
- ۵- پوشاک اقوام امروزی مردم ایران را بیان کند.
- ۶- زیورآلات مردم ایران را در طول تاریخ و در اقوام امروزی ذکر کند.
- ۷- تأثیرات فرهنگی در پوشاک را بداند.

پوشاک و زیورآلات

پوشاک از نیازهای اولیه و اساسی بشر محسوب می‌شود و یکی از بارزترین نمونه‌های فرهنگ در جامعه است. به همین دلیل است که باید با گذشته پوشاک سرزمین خود آشنا باشیم تا ضمن بررسی سیر تحول فرهنگی با سلیقه و زیبایی‌شناسی، اعتقادات و طبقات اجتماعی و اصالت پیشینیان خود آشنا شویم.

عوامل مؤثر بر پوشاک در جوامع مختلف عبارتند از:

- ۱- شرایط جغرافیایی، محیطی و آب و هوا
- ۲- نحوه زندگی و نوع اسکان و اوضاع داخلی اجتماع
- ۳- اعتقادات مذهبی، آداب و رسوم اجتماعی

۴- نظام طبقاتی حاکم بر جامعه، مشاغل و وظایف وابسته به آن

۵- روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یا جنگ با سرزمین‌های دیگر

۶- شرایط اقتصادی و پیشرفت‌های تکنولوژی

پوشاک ایرانی از دوران باستان اهمیت داشته و در شرع مقدس اسلام نیز بر آن تأکید بسیار شده است. پوشش ایرانی از ابتدای تاریخ باستانی تاکنون دستخوش تحولات جدی نشده و مفهوم آن از زمان باستان در فرهنگ ایرانی حفظ شده است. لازم است قبل از بررسی پوشاک به پارچه‌بافی بپردازیم. زیرا خلاقیت در پارچه‌بافی بر پوشاک نیز مؤثر است.

پارچه‌بافی

در ابزار باقیمانده سنگی و گلی از هزاره ششم قبل از میلاد در فلات ایران تعدادی دوک نخ‌ریسی دیده می‌شود و همچنین کشف قطعاتی از نخستین پارچه‌ها در شوش و بعدها در شهر سوخته، مارلیک، حسنلو و ... بیانگر این است که فلات ایران خیلی زودتر از نقاط دیگر دنیا به نساجی پرداخته است.

با مطالعه اشیایی مانند دسته چاقوی استخوانی از سیلک کاشان و ظروف سنگی متنوعی از جیرفت و جام زرین حسنلو شاهد دامن‌های لنگی پارچه‌ای هستیم (تصویر ۱). در ضمن نقوش روی مهرهای شوش و همچنین نقش برجسته زن اشرافی (تصویر ۲)، ریسندگی و بافندگی در فلات ایران را نشان می‌دهد. در طول کاوش‌های باستان‌شناسی در شهر سوخته، سوزن نیز به دست آمده است.

کشفیات باستان‌شناسی از نفوذ پارچه‌های بافت ایران در یونان باستان، روم غربی و همسایه‌های شرقی حکایت می‌کند. با تکیه بر چنین اسنادی می‌توان گفت بافتن پارچه از ایران آغاز شده و در طول تاریخ تا دوره صفوی از مهم‌ترین فرآورده‌های صادراتی ایران بوده است. انواع پارچه‌های کتان، پنبه و ابریشم باقی‌مانده از دوره‌ها دارای نقش‌هایی است که به علت مرغوبیت و ظرافت در کشورهای دیگر خریداران بسیاری داشته است. نقش زدن بر پارچه و گلدوزی نیز مرسوم بود. پارچه‌های رنگارنگ نقش‌دار پارس‌ها که بر تن سربازان جاویدان نقش شده و بر آجرهای لعاب‌دار کاخ آپادانای شوش قابل مشاهده است (تصویر ۳)، نمونه دیگری از خلاقیت ایرانیان است. در نقوش تابوت سنگی اسکندر هم (که در موزه استامبول نگهداری می‌شود) ایرانیان شلواری با پارچه‌های زیبا پوشیده‌اند که طرح‌دار هستند. برخی پارچه‌های ایرانی که ویژه اسقف‌ها تهیه می‌شد، هنوز هم در گنجینه‌های کلیساهای اروپا نگهداری می‌شود.

با آنکه بافت ابریشم از چین آغاز شد اما پارچه‌های ابریشم ایرانی در دوره ساسانی به چنان کیفیت و ظرافتی رسیده بود که حتی به چین هم صادر می‌کردند. نقش سیمرخ و یا سرگراز محدود شده در دوائر دور مروارید ریشه در اعتقادات مذهبی ساسانیان دارد. نقش دایره در دوره پارتی و ساسانی دارای رمز و نیرومندی بوده است. مرغوبیت بافته‌های ابریشمی، زربفت، کتانی، پشمی،



تصویر ۱- ظروف سنگی جیرفت کرمان
- هزاره پنجم تا سوم ق.م



تصویر ۲- زن اشرافی در حال ریسندگی - نقش
برجسته - شوش



تصویر ۳- آجرهای رنگی لعاب‌دار با نقش برجسته کمان‌داران
سپاه جاویدان - کشف از آپادانای شوش - موزه برلین آلمان

پنبه‌ای نشانگر توجه خاص پادشاهان به این صنعت است (تصویر ۴).

در دوره‌های بعد از اسلام، ابتدا پارچه‌ها در نوع جنس و بافت و حتی طرح، مشابه پارچه‌های ساسانی است، با این تفاوت که گاهی از خط نوشته هم در حاشیه پارچه استفاده کرده‌اند (تصویر ۵). در دوره‌های اولیه اسلامی پارچه‌های زربافت و ابریشم ایران همچنان مشهور بود. حمله ترکان سلجوقی به ایران در صنعت نساجی تأثیر فراوان داشت و نقش‌ها تغییرات زیادی کرد. نقش‌های ازدها و حیوانات افسانه‌ای و ابرهای چینی وارد هنر پارچه‌بافی ایران شد.

در دوره صفویه پارچه‌بافی از نفوذ نقش‌های چینی رها شد و ابداعاتی در صنعت پارچه‌بافی به وجود آمد. پارچه چندلایی^۱ و مخمل^۲ با نقش انسانی و داستانی از نمونه‌های آن است. نمونه‌هایی از پارچه‌های زربافت، ابریشم، مخمل، ترمه^۳ و دیبا و... به کشورهای دیگر صادر می‌شد. در دوران پس از آن به علت گسترش روابط تجاری با غرب هنر نساجی از رونق افتاد و امروزه تنها در یزد و کاشان شمار اندکی پارچه‌بافی به شیوه سنتی وجود دارد. از این رو عدم حمایت از نساجی سنتی، این هنر را به فراموشی می‌کشاند (تصویر ۶).



تصویر ۴- پارچه زربافت ساسانی - نقش در میان دایره‌های دور مرواریدی



تصویر ۶- یزد - پوش حسینییه بیت العباس



تصویر ۵- نمونه‌ای از پارچه دوران ساسانی

پوشاک در تاریخ دوره‌های باستان

اگرچه هدف از پوشیدن لباس برای جلوگیری از سرما، تابش آفتاب یا به منظور پوشش بدن است اما در برخی فرهنگ‌ها، انتخاب رنگ و نقش پارچه و تزئین آن معرف پیامی از باورها، آداب و سنن و خاستگاه قومی آنهاست.

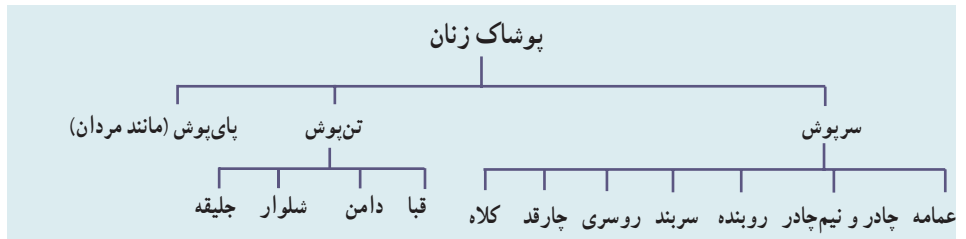
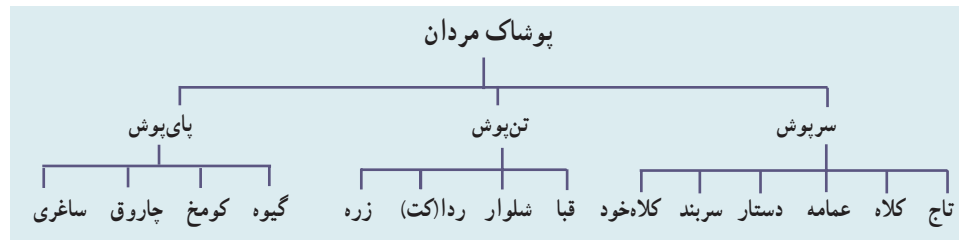
تداخل وابستگی‌های قومی و باورها در شکل‌گیری پوشاک و زیورآلات و آرایش آنها در تمام دوره‌های تاریخی و در میان اقوام گوناگون ایرانی به خوبی قابل فهمیدن است. تغییرات آن روند

۱- ادغام چند نوع بافت با چند جنس مختلف مانند حریر و مخمل

۲- دارای تار و پود و پرز

۳- با کرک بز یا پشم‌های لطیف و حتی ابریشم بافته می‌شود و نقش عمده آن بته جقه است.

تدریجی دارند و اسلوب کلی آن در همه دوره‌ها محفوظ مانده و به خوبی شناخته می‌شود. با توجه به این نکات به بررسی پوشاک مردان و زنان و زیورآلات در دوره‌های مختلف تاریخی می‌پردازیم.

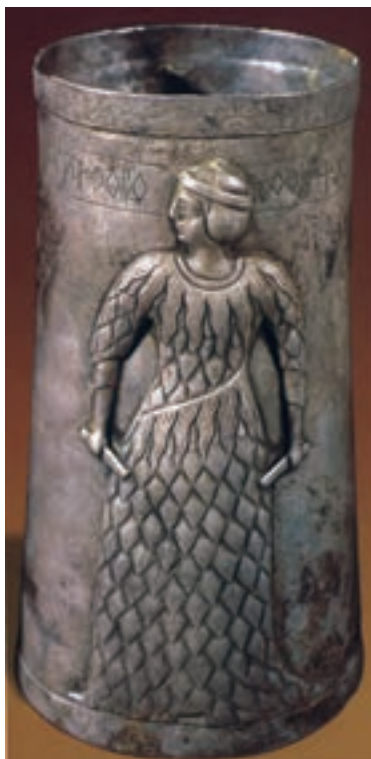


پوشاک ایران باستان

پوشاک، به استناد آثار و شواهد باقی مانده از دوره‌های باستان می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد. این شواهد معمولاً به پوشاک درباری و نظامی محدود می‌شود و از طبقات مردمی آثار کمتری به جای مانده است.

از میان آثار دوره‌های باستان، جام سیمین قلم‌زنی شده‌ای از دوره ایلامی، ملکه‌ای را با پیراهن بلند با آستین و سربندی روی موها نشان می‌دهد. پیراهن بر روی یقه و بالاتنه با شرابهایی تزیین شده است (تصویر ۷).

اقوام ماد به علت زندگی در مناطق کوهستانی به پوشیدن پوشاک مناسب با جغرافیای محل روی می‌آوردند که برای سواری هم مناسب بود. مردان قبای کوتاه جلویسته با آستین تنگ و یقه ساده می‌پوشیدند و شلوار تنگ و رکاب‌دار با تزیینات قلاب‌دوزی به پا می‌کردند. کمر بند چرمی بر کمر می‌بستند و کلاه گرد نم‌دی به نام «تیار» بر سر می‌گذاشتند، که تا امروز نیز در میان برخی اقوام استفاده می‌شود. کفش چرمی یک تکه‌ای را مانند جوراب به پای می‌کشیدند و در زمستان چکمه‌های ساق بلندی به پا می‌کردند. (تصاویر ۸ و ۹).



تصویر ۷- جام سیمین قلم‌زنی - اِنشان فارس - دوره ایلامی کهن



تصویر ۹- گیوه - پای‌پوش عشایری



تصویر ۸- چکمه مادی - پای‌پوش دوران ماد

پوشاک مادها و پارس‌ها، در بسیاری از موارد یکسان است. اما برخی از صاحب‌منصبان پیراهن بلند و گشاد رنگارنگ با شلواری در زیر آن^۱ می‌پوشیدند که با آب و هوای خشک سازگاری داشت و پیراهن زنان پارس بلند و آستین‌دار بود. زنان نیم‌چادری نیز بر روی سرداشتند (تصاویر ۱۰ و ۱۱). پوشاک اقوام پارتی تا حدی شبیه مادها بوده و در واقع پیشینه پوشاک امروزی است. آنها در حین سوارکاری یا جنگ برای محافظت از پاها، دو ساق‌بند گشاد چرمی به نام «رانپوش» روی شلوار می‌پوشیدند که در دوره‌های دیگر مشاهده نمی‌شود. پوشاک زنان پارتی شامل پیراهنی بلند و آستین‌دار و چادری همراه عمامه بود که در تندیس‌های سنگی آن دوران به خوبی دیده می‌شود. (تصاویر ۱۲ و ۱۳).



تصویر ۱۰- طرحی از پوشاک صاحب‌منصب هخامنشی (۱۲ و ۱۳).



تصویر ۱۳- تندیس سنگی ملکه اشکانی - کاخ هترا - عراق



تصویر ۱۲- تندیس سنگی از صاحب‌منصب پارتی و تندیس مفرغی صاحب‌منصب پارتی از شمس



تصویر ۱۱- طراحی پوشاک زن هخامنشی براساس یافته‌های باستان‌شناسی



تصویر ۱۴- مجسمه بزرگ شاپور اول - ورودی غار بیشاپور

از عناصر اصلی پوشاک ساسانیان قبایی کوتاه و شلواری پرچین است. شلوار و ساق‌پیچ آنها در میج گره می‌خورد. برای تزئین پوشاک، آن را قلاب‌دوزی می‌کردند. پای‌پوش این دوران تداوم دوران ماد است. پوشاک زنان، پیراهنی گشاد و بلند دراپه^۲ با آستین بلند بود نقش برجسته‌های طاق بستان و نقش رستم و حتی موزایک‌های بیشاپور از زیباترین پوشاک آنها، حکایت می‌کند. چادری کوتاه به عنوان پوشش سر از مهم‌ترین عناصر پوشاک بانوان بوده است که به صورت‌های گوناگون استفاده می‌کردند (تصاویر ۱۴ و ۱۵).



تصویر ۱۵- آناهیتا بخشی از سنگ‌نگاره‌های بیستون که براساس یافته‌ها رنگ‌آمیزی شده است.

۱- ایرانیان اولین مردمانی بودند که شلوار می‌پوشیدند. واژه Pajama از واژه فارسی باجامه به زبان انگلیسی وارد شده است.

۲- derapeh

پوشاک جنگی (زره)

در دوره اشکانی و ساسانی مردان جنگی خود و اسبشان را زره پوش می کردند. سوار زره پوش ساسانی در نقش برجسته طاق بستان کرمانشاه، امروزه ما را یاد شوالیه های اروپایی می اندازد در حالی که زره پوشان ایرانی سرمشق آنها قرار گرفته است.

در دوره های بعد از اسلام هم مردان جنگی از زره استفاده می کردند (تصویر ۱۶ و ۱۷).



تصویر ۱۶- طرح نیزه دار و کمان دار اشکانی - برگرفته از اسناد تاریخی و نقش برجسته ها

تصویر ۱۷- طرح نیزه دار و کمان دار ساسانی - برگرفته از اسناد تاریخی و نقش برجسته ها

پوشاک دوره اسلامی تا معاصر

تقسیم ابعاد گوناگون فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی با مرز مشخص به پیش از اسلام دوره اسلامی غیرممکن است. زیرا تحولات بنیادی یکباره صورت نمی پذیرد. اما تلفیق هنر کهن با باورهای جدید قابل مشاهده است. پوشاک بومی پس از اختلاط با آیین اسلامی، همچنان رواج داشت اما پوشیدن لباس حریر و ابریشم و به کار بردن زیورآلات برای مردان تحریم شد. در این دوران رنگ پوشاک نقش نمادین داشته است و حتی دوره تاریخی خاصی را نشان داده است.

در دوره اسلامی، پوشاک شامل قبای بلند و شالی بر کمر، شلوار و ساق پیچ بر روی آن بود. پوشاک با نوارهای گلدوزی آراسته می شد. چکمه های تنگ به نام «موزه» یا گیوه و نعلین هم به عنوان پای پوش استفاده می کردند.

نکته قابل توجه، شکل گیری تدریجی عمامه است. بستن دستار روی کلاه در پارتیان هم دیده شده بود. آنچه اهمیت دارد این است که نقش هیچ مردی قبل و بعد از اسلام بدون سرپوش یا سربند دیده نمی شود.

با توجه به کتاب مقامات حریری می توان گفت که در دوران اسلامی رنگ عمامه و دستار براساس موقعیت اجتماعی فرد تغییر می کرد. به عنوان مثال کارگران عمامه آبی، ریسندگان و بافندگان عمامه زرد بر سر می گذاشتند.

پوشاک زنان شامل پیراهن کوتاه آستین دار و قبایی رنگین روی آن بود. شلوار گشاد و



تصویر ۱۸- قباى ابریشمی زربافت دوره صفوی

سفیدرنگی هم برتن می کردند و هنگام خروج از منزل چادر سیاه و روبنده می پوشیدند. بعدها در دوران صفویه دگرگونی مهمی در پوشاک ایران به وجود آمد. پارچه های مجلل و پر نقش و نگاری برای تن پوش استفاده کردند که در بالاتنه تنگ و در قسمت دامن گشاد بود. (تصویر ۱۸). گاه جوراب های ساق بلند تا زانو به پا می کردند که با بند محکم می شد و ساق پیچ هم معمول بود. لباس زنان و مردان بسیار مشابه بود، جز آنکه زنان با چادرهای سفید یا آبی و روبنده توری در میان مردم ظاهر می شدند (تصویر ۱۹).

در دوران قاجار برخی از درباریان از پوشاک اروپاییان تقلید می کردند. زنان قاجار دوباره چادر سیاه رنگ را مورد استفاده قرار دادند. شلوار زنانه لیف داری به نام «تنبان» در این دوره معمول شد که همراه دامن پرچین کوتاهی به نام «شلیته» می پوشیدند. گاه تنبان به جوراب ختم می شد و آن را «چاقچور» می نامیدند و بیرون از منزل، در زیر چادر می پوشیدند.



تصویر ۲۰- پوشاک دوره قاجار - چهره مظفرالدین شاه و صدراعظم عین الدوله - اثر ابوالحسن - رنگ روغن روی بوم.

قبا همچنان تداوم یافت و جزء لاینفک پوشاک اقوام ایرانی باقی ماند (تصویر ۲۰). امروزه روحانیون زیر عبای خود، قباهای ساده ای می پوشند.

در دوره پهلوی به فرمان رضاشاه، کشف حجاب اجباری شد با وجود مخالفت های شدید مردم مذهبی، تعدادی از زنان شهری با کت، دامن و کلاه لبه پهن در میان عموم ظاهر شدند. امروزه مانتو، شلوار و پوشش سر به صورت چادر، مقنعه یا روسری برای بانوان متداول می باشد.



تصویر ۱۹- پوشاک در نگاره های دوران صفوی

پوشاک اقوام ایرانی



تصویر ۲۱- مردان کرد غرب کشور



تصویر ۲۲- دختری از اقوام کرد غرب کشور

در ایران امروزی اقوام مختلف ایرانی با توجه به فرهنگ‌ها، آداب و رسوم خاص و اقلیم خود دارای پوشاک زیبایی هستند. زنان روستایی و ایلاتی و عشایری برای ایجاد تنوع و خوشایندی، اغلب به ترکیب رنگ‌های شاد روی آورده‌اند. اغلب، پوشاک کردهای غرب کشور شبیه به هم است. پیراهن آستین «سُرانی»^۱ که دور میچ یا بازو پیچیده می‌شود، کت‌های مردانه از نوع دو جیب بر روی سینه، شلوار «جافی» و شالی دور کمر روی پیراهن جوراب‌های پشمی رنگارنگ و نوعی پای‌پوش به نام «گیوه»^۲ شب‌کلاهی که دور آن دستمالی ریشه‌دار می‌پیچند از عناصر پوشاک مردان است. پوشاک زنان کرد از شلوار پرچین و پف‌دار که در میچ پا جمع می‌شود، پیراهن بلند با آستین سُرانی و جلیقه‌ای سکه‌دوزی شده و رنگارنگ تشکیل می‌شود (تصاویر ۲۱ و ۲۲). از پوشاک مردان کرد خراسان می‌توان به ساق‌پیچ (پاتاوه) اشاره کرد.

ساق‌پیچ نواری پهن می‌باشد که روی شلوار، دور ساق پا می‌پیچند و از دوران باستان تاکنون مورد استفاده قرار گرفته است (تصویر ۲۵). زنان کرد خراسان، کفش‌های چرمی به نام کوئخ و دامن‌های بلند و پرچین زیر پیراهن می‌پوشند. تشابهات زیادی در میان پوشاک اقوام لر و قشقایی وجود دارد.



تصویر ۲۴- چکمه مادی - پای‌پوش دوران ماد - تصویر ۲۵- گروهی از مردان کرد خراسان



تصویر ۲۳- سوارکار مادی با ساق‌پیچ (پاتاوه)

کلاه نمدی، شلوار گشاد و قبای ساده جلو باز آنها شبیه هم است. بختیاری‌ها ردایی پشمین و سفید راه‌راه به نام «شولا» می‌پوشند. زیبایی و رنگارنگی پوشاک زنان لر و قشقایی زیانزد است. علاوه بر پیراهن‌های رنگین، دامن‌های پرچین و بلند می‌پوشند. زنان قشقایی گاهی شش یا هفت دامن را روی هم می‌پوشند. که بسیار باشکوه است. جلیقه مخملی با یراق‌دوزی نیز روی پیراهن می‌پوشند زنان لر سربند زیبایی دارند که شامل کلاهی کوچک و دستاری پیچیده شده به دور آن است که با زیورهای آراسته شده است. زنان عشایر ترک همدان هم سربندهایی شبیه عمامه دارند. امروزه پای‌پوش آنها گیوه‌هایی است که با نخ پنبه‌ای بافته شده است. از گیوه‌های معروف می‌توان به گیوه

۱- قطعه‌ای مثلثی در لبه آستین

۲- این نوع پای‌پوش به گیوه کلاش معروف است.

کرمانشاهی و گیوه شیرازی^۱ اشاره کرد (تصاویر ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱).

پوشاک مردم سواحل دریای خزر به هم شباهت بسیاری دارد. مردان جوراب‌های پشمی بلند و ساق‌بند (پاتاوه) بر روی شلوار و پای‌پوشی معروف به «چاروق^۲» و «چوموش^۳» می‌پوشند. پوشاک زنان، شامل روسری سفید به نام «لچک» و دامن‌های پرچین بلند با نوارهای رنگی است که از زیبایی بی‌نظیری برخوردار است. از بارزترین عناصر پوشاک آنها چادر شبی است که به صورت سه‌گوش دور کمر می‌بندند (تصویر ۳۲).



تصویر ۲۶- کلاه مرد قشقایی



تصویر ۲۹- دختر بختیاری در حال درست کردن مشک - ایزه - خوزستان



تصویر ۲۷- زن قالی‌باف قشقایی و مرد قشقایی



تصویر ۳۰- زنی از عشایر ترک همدان



تصویر ۲۸- عروسی ایل بختیاری - مردان هنگام چوب‌بازی - شهرکرد

۱- معروف‌ترین گیوه شیراز به ملکی شهرت دارد.

۲- چاروق پای‌پوش زمستانی است که از جرم یک تکه ساخته می‌شود.

۳- چوموش چکمه‌های چرمی و بنددار است که از دوران ماد تاکنون رواج دارد.



تصویر ۳۱- گیوه کرمانشاهی

تصویر ۳۲- زنان گیلان در حال جمع‌آوری محصولات کشاورزی

اقوام بلوچ، پیراهن یقه‌گرد کتان و شلواری گشاد (دم‌پاتنگ) می‌پوشند و عمامه‌ای طویل بر سر می‌بندند که ابتدای آن را مانند تاج برافراشته نگاه می‌دارند ولی انتهای آن را تا کمر آزاد می‌گذارند. در پوشاک زنان بلوچ، سوزن‌دوزی‌های ظریف و پرکار روی یقه و سرمیچ آستین و دم‌پای شلوار شهرت زیادی دارد (تصویر ۳۳ و ۳۴). در سیستان از برگ نخل وحشی (داز) و سپس خرما کفش‌هایی می‌بافند که به جرئت می‌توان گفت قدمتی چندین هزار ساله دارد.



تصویر ۳۳- مرد بلوچ

تصویر ۳۴- زن بلوچ



تصویر ۳۵- زن و مرد ترکمن

در پوشاک ویژه مردان ترکمن کلاهی پوستی از پشم گوسفند و پیراهن یقه‌گرد بلند و قبا است. برخی از پژوهشگران، پوشاک و زیورهای ترکمن را از مفصل‌ترین جامه‌های ایرانی می‌دانند. زنان ترکمن پیراهن بلند، شلوار و جوراب سوزن‌دوزی شده می‌پوشند. جوراب‌های پشمی و ابریشمی آنها بسیار زیبا و معروف است. مهم‌ترین بخش پوشاک زنان، چارقد بلند و مجلل و ریشه‌دار و کلاهی به نام «عرقچین» است که آن را با انواع تزیینات می‌آرایند (تصویر ۳۵).

بیشتر مردان بندری خود را در «لُنگ» می‌پيچند و یکی دیگر هم به‌دور سر می‌بندند (تصویر ۳۶). پیراهن زنان تا زانو می‌باشد که لبه‌های آن قیطان‌دوزی شده است. شلوار گشاد آنها دم پا تنگ است و این قسمت از شلوار زردوزی می‌شود. چشمگیرترین بخش از پوشاک زنان بندری روبنده‌ای به نام بتوله (بُرَقع) است که آنها را از آفتاب و نگاه بیگانگان محفوظ می‌دارد (تصویر ۳۷).



تصویر ۳۶- مردان بندری

زیورآلات گوناگونی در طول تاریخ مورد استفاده زنان و مردان قرار گرفته است که به اختصار به آن می‌پردازیم.

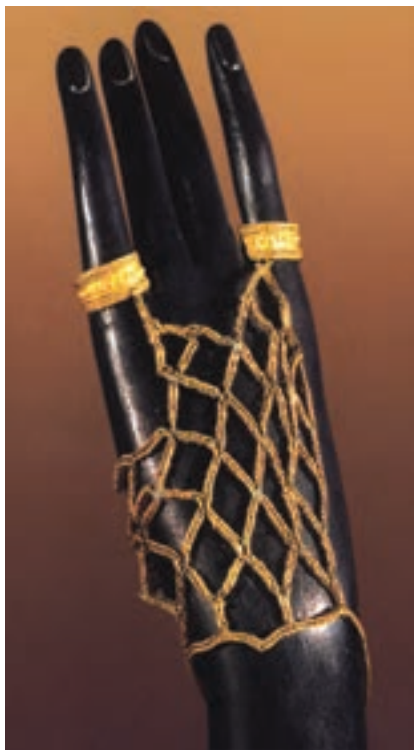
از جالب‌ترین زیورآلات باستانی می‌توان به حلقه نامزدی در دست چپ ملکه ناپیراسو در دوره ایلامیان اشاره کرد (تصویر ۳۸). از آن زمان یا قبل‌تر هم می‌توان تزیینات النگو را مشاهده کرد. در ایران باستان زینت‌آلاتی مانند گوشواره، النگو، بازوبند، گردنبند، انگشتر مهردار، کمر بند و ... میان زن و مرد استفاده‌ای یکسان داشت. احتمال دارد گیس‌بند و سنجاق سر، دستبند طلا^۱ مخصوص زنان باشد (تصویر ۳۹). مرصع کاری از دوره هخامنشی متداول است اما در دوره ماد زیورآلات خاصی در زیویه ساخته می‌شود. وجود معادن فراوانی از سنگ‌های قیمتی سبب شد در دوره ساسانی حتی طبقات پایین هم از جواهرات و زیورآلات استفاده کنند (تصاویر ۴۰، ۴۱، ۴۲ و ۴۳).



تصویر ۳۷- زن بندری با بتوله



تصویر ۴۰- النگوی طلا با نقش شیر از زیورآلات دوران هخامنشی - زاین موزه سیهو



تصویر ۳۹- دستبندی از زنجیرهای طلا متصل به حلقه‌های انگشتری - دوره ماد - زیویه کردستان



تصویر ۴۱- گردنبند طلا با سنگ‌های قیمتی - با نقش فروهر و صحنه شکار - از زیورآلات هخامنشی



تصویر ۳۸- تصویر بازسازی شده از تندیس ملکه ناپیراسو - دوره ایلامی

۱- این نوع دست‌بند به کمک زنجیر به حلقه‌های انگشتری متصل می‌شده است.



تصویر ۴۳- بازوبند طلایی با طرح شیردال - گنجینه جیحون - موزه بریتانیا - انگلیس



تصویر ۴۲- پلاک و انگشتر مهرداد با نقش ملکه پارسی - گنجینه جیحون - موزه بریتانیا - انگلیس

از قرون اولیه اسلامی از زیورآلات زنان اطلاع چندانی در دست نیست. ولی از آنچه در نقاشی‌ها و مجسمه‌ها یا نوشته‌های کتاب‌های آن زمان به دست آمده می‌توان دریافت، مصرف نقره برای مردان مجاز بود ولی طلا ممنوعیت داشت، اما طلا در زیورآلات زنان کاربرد داشته است. از تاج زنان ایلخانی رشته‌هایی بلند از مروارید آویزان بوده که تا زیر گوشواره هم ادامه داشته است.

در دوره قاجار از زیورآلات مردان ساعت جیبی بود که مزین به جواهرات می‌شد. در آن با فشار باز می‌شد و به وسیله زنجیری که یک سر آن به ساعت و سر دیگر آن در جیب قلاب شده بود، درون جیب قرار می‌گرفت.

زیورآلات زنان قاجاری شامل گوشواره‌های پرکار بلند و اغلب به شکل ماه یا قطره اشک مرصع کاری یا میناکاری می‌شد. غیر از زیورآلات مرسوم از خلخال و سنجاق روبنده هم استفاده می‌کردند. استفاده از این زیورآلات در میان اقوام امروزی ایران هم رایج است. بانوان کرد غیر از زیورآلات مرسوم از سکه و خرمهره بر روی جلیقه و پیشانی بند استفاده می‌کنند.

از زیورآلات خاص زنان بلوچ و جنوب کشور خلخال و پلک (حلقه‌ای در بینی) قابل توجه است. زیورآلات زنان ترکمن چنان سنگین و برجسته و با نقش و طرح‌های بکر ساخته می‌شود که شباهتی به زیورآلات اقوام دیگر ندارد. زنان ترکمن این زیورها را به لباس خود می‌دوزند یا آن را به خود می‌آویزند (تصویر ۴۴).



تصویر ۴۴- زیورآلات در پوشش زن ترکمن

تأثیرات فرهنگی در پوشاک

زمانی که ایران، قدرتمند و مهد تمدن مشرق زمین بود، الگویی نیز برای ملل تابع به شمار می‌رفت. بیشتر ملل خواه و ناخواه تابع آداب، رسوم و فرهنگ ایران بودند. نمونه نوآوری‌های متعدد در پوشاک و نفوذ آن در شرق و غرب این مطلب را تأیید می‌کند.

ایرانیان، نخستین مردمی بودند که کت و شلوار می‌پوشیدند، خود و اسبشان را زره‌پوش

می کردند، پوشاک مناسب سواری می پوشیدند و برای نخستین بار در چوگان بازی لباس ورزشی استفاده می کردند^۱ (تصویر ۴۵).



تصویر ۴۵- شکار قوچ - بشقاب سیمین - دوره ساسانی - طرح بازسازی شده از گنبد سلطانیه در زنجان

همچنین می توان به دستکش مادها، انواع کلاه برای موقعیت های گوناگون اجتماعی، چکمه های چرمی مادها^۲ و شال^۳ اشاره کرد.

در دوران های بعد وقتی یونان و روم مسلط بر قوم ها شدند، فرم پوشاک آنها مورد توجه جهانیان قرار گرفت و هنگامی که فرانسه به اوج تمدن رسید، مُد فرانسوی مورد تقلید واقع شد. بعد از جنگ جهانی دوم مد آمریکایی نفوذ زیادی در میان ملل دنیا پیدا کرد.

در هر حال آنچه امروز شاهد آن هستیم، فراگیر شدن لباس های رایج عرف جهانی در ایران زمین است. زندگی ماشینی امروز، شرایط خود را می طلبد. لباس کارگران یا لباس های ورزشی، پزشکی، نظامی و ... مثال های خوبی از لزوم پوشاک کاربردی در شرایط خاص است. ما باید چون گذشتگان، ضمن پذیرش نکات ارزنده در کاربرد پوشاک از بیگانگان، گامی هم در جهت تلفیق داشته های غنی فرهنگی خود با آن و ارائه طرح ها و شیوه های نو و اصیل خود داشته باشیم.

۱- نوعی پیراهن آستین کوتاه و شلوار تنگ می پوشیدند و چکمه های پارچه ای به پا می کردند تا راحت باشند. حتی از جنسی پیراهن تهیه می کردند که کمتر عرق کنند. انگلیسی ها پس از آشنایی با چوگان این نوع لباس را به اروپا بردند، بعدها که به آمریکا راه یافت، به تی شرت های امروزی منجر شد.

۲- ژوستینین امپراتور روم شرقی، چکمه های قرمز ایرانی می پوشید.

۳- Shawl در زبان انگلیسی با همین نام خوانده می شود.

پرسش

- ۱- از عوامل مؤثر بر پوشاک در جوامع مختلف سه مورد بنویسید.
- ۲- آغاز بافت پارچه را در ایران توضیح دهید.
- ۳- در کدام دوره پارچه چندتایی به وجود آمد؟
- ۴- هدف از پوشیدن پوشاک چیست؟
- ۵- پوشاک یکی از دوره‌های باستان را شرح دهید.
- ۶- پوشاک دوره صفوی را توضیح دهید.
- ۷- چند پای پوش سنتی را که امروزه هنوز استفاده می‌شود، نام ببرید.
- ۸- درباره پوشاک جنگی دوران اشکانی و ساسانی توضیح دهید.
- ۹- استفاده از سرپوش میان زنان ایرانی از چه زمانی آغاز شده است؟ توضیح دهید.
- ۱۰- درباره پوشاک یکی از اقوام ایرانی توضیح دهید.
- ۱۱- تن پوش زنان ایرانی به طور کلی چگونه بوده است؟

تحقیق کنید

درباره پیشینه پوشاک شهر یا استان محل زندگی خود و پوشاک معاصر آن بررسی کنید. نتایج بررسی را در کلاس عنوان کنید و درباره علل ماندگاری یا تغییر آن گفتگو کنید.

مطالعه آزاد

آثار فرهنگی ثبت شده ایران در فهرست میراث جهانی





مطالعه آزاد



اندیشه کار و تلاش گذشتگان ما در یک تاریخ طولانی و محیط طبیعی و جغرافیایی گسترده و متنوع، آثار ارزشمندی به بار آورده است که زیانزد است و جایگاه مؤثری در فرهنگ و تمدن بشری دارد به طوری که تاکنون چند اثر معماری و شهرسازی ایران یعنی چغازنبیل، تخت جمشید، میدان نقش جهان و بناهای پیرامون آن، تخت سلیمان، پاسارگاد، گنبد سلطانی، ارگ بم، پل بندهای شوشتر و ... در فهرست میراث جهانی به ثبت رسیده است و آثار بسیار دیگری نیز وجود دارد که ارزش و امتیاز ثبت آثار جهانی را دارد. ارگ بم قبلاً در این فهرست ثبت شده بود ولی متأسفانه در اثر زلزله تا حد زیادی از بین رفته است. ثبت آثار ایران در این فهرست نشانه اهمیت این گونه آثار در فرهنگ و تمدن و تاریخ بشری و یا داشتن ارزش‌های ویژه زیست محیطی و تاریخ فرهنگی حیات است.



تخت جمشید

بنای تخت جمشید یکی از عظیم‌ترین، باشکوه‌ترین، غرورآمیزترین مجموعه‌های تاریخی ایران و جهان است. ساخت این بنای مجلل به دست داریوش اول در قرن ششم قبل از میلاد آغاز شد. جلگه وسیع مرودشت دارای پیشینه تاریخی بسیار کهنی بود، پس بنای تخت جمشید را در دامنه کوه رحمت که از نظر پارسیان مکان مقدسی بود، بنیان نهاد.

نام اصلی این مجموعه «پارسه» بود. یونانیان آن را پرسپولیس می‌نامیدند. حدود ۲۰۰ سال این بنا آباد بود و از مراکز بسیار مهم اداری و حکومتی به‌شمار می‌رفت که از نظر آیینی، مذهبی و تشریفاتی نیز اهمیتی خاص داشت. از مجموعه کاخ‌های تحسین‌برانگیز تخت جمشید، اکنون جز ویرانه‌های به یادماندنی و منحصر به فرد، چیزی باقی نمانده است.



چغازنبیل

این کهن‌ترین اثر ایرانی در ابعاد و خصوصیات خیره‌کننده‌ای است که با اهرام مصر برابری می‌کند و بزرگ‌ترین زیگورات جهان است. بنای جذابی است که عواطف شدید مذهبی را از طریق تجسم کوه بیان می‌کند. این بنا در دشت پهن شهر دوراوتاش نزدیک شوش به وسیله اونتاش گال شاه ایلام در ۱۲۵۰ پیش از میلاد ساخته شد. بنای این زیگورات در پنج طبقه پلکانی و از خشت خام ساخته شده است و ملات گل و آهک و قیر آنها را به هم پیوند داده و سطح ساختمان با آجر پخته لعابدار به رنگ آبی و سبز براق (متالیک) ناماسازی شده است. در این بنا خاتم کاری با عاج

نیز به کار رفته و درهای چوبی آن با آینه کاری مات (حیوانات در حال جست و خیز را نشان می دهد) زینت یافته شده است.

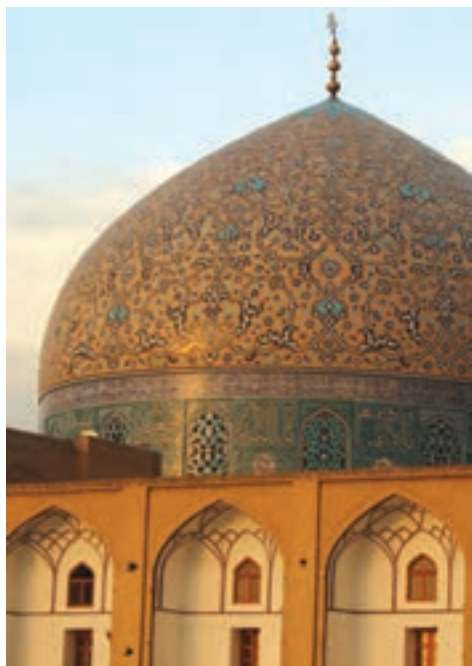
زیگورات چغازنبیل پیش از آنکه کامل شود به دست آشور بانیپال تصرف و ویران شد. سه بنای کوچک آجری دایره ای شکل در سه سوی زیگورات ساخته شده بود که تنها یکی از آنها سالم مانده است. این سه بنا به احتمال زیاد یک رصدخانه خورشیدی برای گردش خورشید و سال شماری و استخراج تقویم بوده است. در چهار سوی این بناها چهار آفتاب سنج آجری به شکل طاق نما وجود دارد که با آفتاب سنج رصدخانه نقش رستم شباهت زیادی دارد. این طاق نماها به شکل چند قوس پشت سر هم به ترتیب کوچک می شوند و این شکل خاص در آیین معماری باستان جایگاه ویژه ای دارند.



میدان نقش جهان

میدان نقش جهان در زمان شاه عباس اول، به منظور پاسخگویی به نیاز روزافزون پایتخت جدید صفویان به توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساخته شد و مرکز قدیمی شهر (میدان کهنه) را از رونق انداخت. سر در بازار قیصریه در شمال، کاخ عالی قاپو در غرب، مسجد امام در جنوب و مسجد شیخ لطف الله در شرق میدان واقع شده است و در فاصله میان این بناها، غرفه های دو طبقه ای قرار دارد.

میدان نقش جهان در دوره صفوی محل برگزاری جشن های رسمی، رژه های قشون، مسابقات چوگان، سوارکاری و تیراندازی بوده است. دو دروازه سنگی چوگان در شمال و جنوب میدان، یادگار روزگار اهمیت و اعتبار این میدان تاریخی است.



عمارت عالی‌قاپو دارای شش طبقه ساختمان است که هر طبقه آن تزیینات ویژه‌ای دارد که با وجود لطمه‌های جبران‌ناپذیر بر تزیینات آن، هنوز هم شاهکارهایی از گچبری‌های دوره صفوی را نشان می‌دهد.

مسجد شیخ‌لطف‌الله یکی از شاهکارهای هنر معماری و کاشی‌کاری است. کتیبه سر در مسجد به خط ثلث علیرضا عباسی و معمار و بنای مسجد، استاد محمدرضا اصفهانی است. مسجد امام مجموعه‌ای از تأسیسات شهری (بازارچه، مدرسه، حمام، مغازه و دیگر بناهای وقفی) را دربرمی‌گیرد و این در شهرسازی ایرانی سنت بوده است. در حیاط مدرسه جنوبی مسجد، سنگ مثلث شکلی نصب شده که ظاهر حقیقی اصفهان را نشان می‌دهد و گفته می‌شود که محاسبه دقیق آن را «شیخ بهایی» دانشمند مشهور صفوی انجام داده است.



تخت سلیمان

تخت سلیمان در شهر تکاب در آذربایجان غربی، یکی از ارزشمندترین مراکز تاریخی و فرهنگ ایران و جهان به شمار می‌رود. در تخت سلیمان بقایایی از آثار چند دوره قبل از اسلام، در اطراف دریاچه‌ای طبیعی موجود است. دیوارهای شهر طویل و ضخیم است. دو دروازه و تعداد زیادی برج دارد و در داخل آن آتشکده بزرگ آذر گشنسب، معبد آناهیتا و نیز کاخهای متعددی قرار گرفته‌اند. همچنین یک قلعه در داخل شهر قرار دارد. خرابه‌های قصری از دوره سلجوقی هم در آن دیده می‌شود که در دوره ایلخانی مرمت و بازسازی شده است.

آبادانی و گسترش تخت سلیمان در دوران ساسانیان بوده که از نظر اعتقادی و باورهای دینی برای آنها اهمیت فراوانی داشته است.

تخت سلیمان که مجموعه‌ای از دوران ماد تا ایلخانی را در خود جای داده و روی تپه‌ای طبیعی ساخته شده است (این تپه حاصل رسوب‌های دریاچه‌ای است که در ته آن چشمه‌ای می‌جوشد). هم‌جواری این مجموعه با گودالی بزرگ و در قله کوه به نام زندان سلیمان که از شگفتی‌های طبیعی است، ویژگی‌های فرهنگی طبیعی این مجموعه را در جهان، منحصر به فرد می‌سازد.



پاسارگاد

جلگه پاسارگاد در دشت مرغاب در شمال تخت جمشید واقع شده است. پاسارگاد از چندین کاخ جدا و پراکنده در جلگه‌ای پهناور تشکیل شده و نخستین

پایتخت هخامنشیان بوده است. تا پایان حکومت هخامنشی مراسم تاج‌گذاری در پاسارگاد انجام می‌شد. کاخ‌های پاسارگاد همگی در میان باغ‌های پرآب و سرسبز قرار گرفته بودند.

نام پاسارگاد همیشه با نام آرامگاه کوروش مترادف است. این آرامگاه دارای یک بنای چهارگوش ساده از سنگ سفید با سقف شیروانی بر یک هرم پلکانی ساخته شده است و در عین سادگی، نمایشگر قدرت و اقتدار بنیان‌گذار سلسله هخامنشی است.



گنبد سلطانیه

بنای گنبد سلطانیه مظهر تجلی هنر، ذوق، زیبایی و شکوه خاصی است. در دوره ایلخانی توسط سلطان محمدخدا بنده (الجبایتو) ساخته شده است. معمار بنا، علی‌شاه تبریزی این بنا را بر اساس اصول معماری منحصر به فرد زمان خود با پلان هشت ضلعی ساخته است. قطر گنبد دو پوسته پیوسته دهانه بزرگی دارد و در بیرون با کاشی‌های زیبای فیروزه‌ای پوشش یافته است.

این ساختمان یکی از باشکوه‌ترین آثار دوره اسلامی و از لحاظ بزرگی سومین

گنبد بلند جهان^۱ و اولین و عظیم‌ترین گنبد جهان از لحاظ آجری بودن محسوب می‌شود.



طرح بازسازی شده از گنبد سلطانیه در زنجان

بیستون

پس از آن که داریوش، امپراتوری ایران را به دست گرفت، دستور داد سنگ‌نگاره‌ای بزرگ در پای کوه بیستون (مکان مقدس مادها و پارس‌ها) که بُستان هم نامیده می‌شود حک شود. این سنگ‌نگاره یکی از با ارزش‌ترین اسناد تاریخی به جا مانده از دوران باستان در جهان محسوب می‌شود. در نقش برجسته آن در زیر نقش فروهر^۲ داریوش با قامتی بزرگتر از بقیه نقش برجسته‌ها، گئوماتای غاصب را دستگیر کرده است و شورشیان در بند دیده می‌شوند.

کتیبه تاریخی بیستون به سه زبان میخی بابلی، ایلامی و پارسی حک شده است. دو کتیبه کوچک و بزرگ دارد. کتیبه بزرگ شامل پرستش و اطاعت از «اهورا مزدا» و وقایع دو سال نخست سلطنت داریوش است. کتیبه کوچک شامل حوادث بعدی دوران امپراتوری وی است.



۱- پس از سانتاماریا در فلورانس ایتالیا و ایاصوفیه در شهر استانبول ترکیه بزرگترین گنبد محسوب می‌شود.

۲- فروهر فرشته‌ای آسمانی و مأموری از جانب خدای اهورامزدا بود که به زمین فرستاده شده بود تا همواره یادآور و راهنمای انسان برای رسیدن به کمال و ملکوت اعلا باشد.

منابع و مآخذ

- احمد، آریا منش — کرشمه خوشنویسی تولدی دیگر، انتشارات یساولی — چاپ سوم ۱۳۸۷
- محمد پناه، بهنام — کهن دیار — انتشارات سبزان — ۱۳۸۵
- جعفری، کیوان و کبری نژاد، رضا — خلاقیت موسیقی — انتشارات راه اندیشه — ۱۳۸۳
- نسل شریف، افسانه — خلاقیت نمایشی — انتشارات راه اندیشه — ۱۳۸۶
- جی کلارک و — سیری در صنایع دستی — انتشارات بانک ملی
- پرفسور پوپ، آرتور — معماری ایرانی (پیروزی شکل رنگ) مترجم کرامت الله افسر — انتشارات یساولی — ۱۳۶۵
- نامجو، عباس — سیمای فرهنگی ایران — انتشارات عیلام — چاپ ۱۳۷۸
- امینی، همایون — صد جلوه از میراث ایران، نشر قلمرو آفتاب — چاپ اول ۱۳۷۸
- بور کهارت، تیتوس — هنر اسلامی (زبان ویان) — ترجمه مسعود رجب نیا — انتشارات سروش — ۱۳۶۵
- تاریخ لباس ایران — رنج دوست، شبنم — مؤسسه انتشاراتی جمال هنر — چاپ اول — پاییز ۸۷
- رحیمی، پریچهر — نگرشی بر پوشاک ایران از هزاره پنجم پیش از میلاد تا اواخر دوره هخامنشیان — دانشگاه هنر — ۱۳۸۵
- چیت ساز، دکتر محمدرضا — تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول — انتشارات سمت — چاپ دوم — ۱۳۸۶
- بلوک باشی، علی — قالی شویان (مناسک نمادین قالی شویی در مشهد اردهال) — دفتر پژوهش های فرهنگی — ۱۳۷۹

– دکتر هنری، مرتضی – نوروزگان – انتشارات سروا – چاپ اول ۱۳۷۷
– محمدی، حسین – جشن های ایران باستان – جهاد دانشگاهی تربیت معلم
– ۱۳۸۰

– بهنام، محمد – کهن دیار، پناه – انتشارات سبزان – چاپ دوم ۱۳۸۶
– زارعی، باباله – کتیبه کوفی مسجد جامع قزوین – انتشارات وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی – چاپ اول – تابستان ۱۳۷۳
– گری، بازیل – نگارگری ایران – عربعلی شروه
– پاکباز، روئین – نقاشی ایران از دیر باز تا امروز – نشر نارستان
– راشد، محمد تقی – کتیبه های ایران باستان – محصل / دفتر پژوهشهای
فرهنگی – چاپ اول
– شیر، حسین – آموزش خط معلی – انتشارات هم مهین – چاپ سوم –
بهار ۱۳۸۸

– داندامایف، محمد – ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی – مترجم
روحی ارباب – انتشارات علمی فرهنگی – ۱۳۸۱
– سلطان زاده، حسین – تخت جمشید – دفتر پژوهش های فرهنگی – تهران
۱۳۷۹

– یآوری، حسین – آشنایی با هنرهای سنتی – چاپ غزل باران – بهار –
۱۳۸۶

– پرایس، کریستین – تاریخ هنر اسلامی – مترجم مسعود رجب نیا – انتشارات
علمی و فرهنگی – ۱۳۶۴
– اتینگهاوزن، ریچارد – هنر و معماری اسلامی جلد ۱ و ۲ – مترجم دکتر
یعقوب آژند – انتشارات سمت – ۱۳۷۸
– گریشمن، رومن – هنر ایران – مترجم یعقوب آژند – انتشارات مولی –
۱۳۸۲

– پوپ، آرتور – سیری در هنر ایران – گروه مترجمان سیروس پرهام –
انتشارات علمی و فرهنگی – ۱۳۸۸
– دورانت، ویل – تاریخ تمدن – نشر انقلاب

- غیبی، مهرآسا – پوشاک اقوام ایرانی
- ضیاءپور، جلیل – پوشاک ایران باستان
- متین، پیمان – پوشاک ایرانیان – دفتر پژوهش‌های فرهنگی – چاپ دوم

۱۳۸۶

- عشایر ایران – کسرائیان، نصراله – مجموعه عکس
- ایران زمین – ویت، جیمز – جمیله حیدری – مجموعه عکس
- Kuhrt, Amelie, The Persian Empire, 2007, Routledge
- Sarkhosh Curtis, Vestis, Birth Of The Persian Empire, 2005, British Museum
- Canby, Sheila, The Golden Age Of Persian Art, 2000, Abrams
- Grabar, Oley, Masterpieces Of Islamic Art, 2009
- Grabar, Oley Early Islamic Art, 2005 Yale University
- Rogers, J_M, The Arts Of Islam, 2007

نشریات

- مجله گردشگری شماره ۱۳ شهریور ۸۱ و شماره ۴ فروردین ۸۲
- رساله اخوان الصفا – فصل نامه هنر زمستان ۷۴ و بهار ۷۵
- حکمت کهن، منظر جدید – باغ ایرانی – موزه هنرهای معاصر پاییز –

۱۳۸۳

- نشریه دست‌ها و نقش‌ها – ویژه زیورها و گوهرها – شماره ۲ زمستان ۷۶
- نشریه ایران زمین – سال دوم شماره ۵ و ۴ – تابستان ۷۲
- نشریه هنرهای تجسمی – دوره جدید – شهریور ۸۴ – شماره ۲۳
- نشریه رشد آموزش هنر – شماره ۸ – دوره چهارم، شماره ۲ زمستان ۱۳۸۵
- آرشيو انحصاری عکس دفتر انتشارات کمک آموزشی – سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، عکاسان: هانف همایی، مجید ناگهی، افشین بختیار، رضا بهرامی

